

آتشفشان نقدینگی دوباره فعال می‌شود؟

حکایت نقدینگی و اثرات آن بر اقتصاد ایران همانند حکمرانی آتشفشان بر فراز شهری است که گهگاه غرشی کرده و به بخش‌هایی از شهر آسیب رسانیده و باز برای مدتی آرام گرفته است.



جام جم آنلاین: حکایت نقدینگی و اثرات آن بر اقتصاد ایران همانند حکمرانی آتشفشان بر فراز شهری است که گهگاه غرشی کرده و به بخش‌هایی از شهر آسیب رسانیده و باز برای مدتی آرام گرفته است. اما تمام مردمان شهر می‌دانند که این آرامش، آتش زیر خاکستر است و این آتشفشان هیچگاه خاموش نخواهد ماند. اکثر کارشناسان اقتصادی با نزدیک شدن به اجرای هدفمندی یارانه‌ها از فعال شدن مجدد آتشفشان نقدینگی و اثر آن بر نرخ تورم نگرانند.

آنان سکنه احتمالی تورمی ناشی از اجرای این جراحی بزرگ را ناشی از 2 عامل می‌دانند: رشد نقدینگی و انتظارات تورمی. روشن است که منشأ انتظارات تورمی از رفتار مصرف‌کنندگان ناشی می‌شود که می‌توان با مدیریت صحیح اطلاع‌رسانی، جو روانی جامعه را در دست گرفت و از سوق یافتن میل مصرف‌کنندگان به سوء خرید کالا جلوگیری کرد. همچنین می‌توان با واردات کالای ارزان قیمت جلوی رشد قیمت کالاها ناشی از کمبودهای مقطعی را گرفت. اما کنترل اثرات نقدینگی ناشی از هدفمندی یارانه‌ها به این سادگی‌ها امکانپذیر نیست، چراکه تزریق نقدینگی و یافتن منابع آن شاید آسان باشد، اما کنترل جریان و سپس جمع‌آوری آن از هر کار دشواری دشوارتر می‌نماید.

تفاوت 2 دیدگاه

با این حال هنوز که هنوز است کارشناسان اقتصادی در باره تاثیر نقدینگی بر تورم هدفمندی یارانه‌ها اتفاق نظر ندارند. گروهی از کارشناسان که با دولت هم‌نظرند، معتقدند که اجرای هدفمندی یارانه‌ها رشد تورم را در پی ندارد. چراکه نقدینگی که از محل اجرای این طرح به جامعه تزریق می‌شود، در واقع از خود جامعه جمع‌آوری شده است و از نقدینگی اضافی از جای دیگری تهیه و تزریق نشده و در نتیجه حجم پول جامعه نیز افزایش نیافته است. آنان استدلال می‌کنند دولت منابع مالی لازم برای پرداخت یارانه نقدی به مردم را از طریق اصلاح قیمت‌ها به دست آورده و همان منابع را این بار به شیوه جدید میان شهروندان باز توزیع می‌کند. این کارشناسان در ادامه استدلال خود به مکانیزم اجرایی قانون هدفمندی یارانه‌ها استناد می‌کنند که براساس آن دولت می‌تواند سالانه 20 هزار میلیارد تومان از محل آزادسازی قیمت هفت حامل انرژی درآمد کسب کند، یعنی درآمد دولت از جامعه جمع‌آوری می‌شود و حالا این پول به تناسب، صرف پرداخت یارانه نقدی، حمایت از تولید و سرانجام مصارف خود دولت می‌شود و لذا پول از خود جامعه کسب و به خود جامعه بازگردانیده می‌شود.

اما دیدگاه مقابل معتقد است که منابع مالی دولت برای هدفمندی یارانه‌ها مختص درآمدهایی که از جامعه دریافت می‌کند، نیست. در واقع دولت از طریق سیستم بانکی و در قالب بسته‌های سیاستی که به طور جداگانه برای هر بخش از اقتصاد تدوین کرده، تسهیلاتی را از طریق وام به جامعه و به‌ویژه بخش تولید تزریق می‌کند و زمان لازم است تا این تسهیلات با کسب درآمدهای دولت ناشی از اصلاح قیمت‌ها جایگزین شود و همین خلأ زمانی کافی است تا رشد نقدینگی اثر خود را بر نرخ تورم بر جای گذارد.

آنان می‌گویند: به عنوان مثال اکنون دولت هم‌اکنون به 60 میلیون ایرانی - معادل 17 میلیون خانوار - 80 هزار تومان یارانه نقدی پرداخت کرده است که اگر این یارانه را در 60 میلیون نفر ضرب کنیم خواهیم دید که دولت دست‌کم 4 هزار و 800 میلیارد تومان از این محل نقدینگی به جامعه تزریق کرده است و البته مبالغ دیگری را که باید تحت عنوان تسهیلات یا کمک بلاعوض به صنایع و تولید تخصیص یابد نیز به این رقم افزود. هیات وزیران چند روز پیش در یک مصوبه 900 میلیارد تومان تسهیلات به بخش تولید اختصاص داد. این در حالی است که هنوز زمان اصلاح قیمت‌ها اعلام نشده است تا دولت درآمدهای خود از این محل را آغاز کند. این گزارش می‌افزاید: استدلال دیگر این کارشناسان این است که پرداخت یارانه نقدی به شهروندان، باعث افزایش سرعت حرکت و گردش نقدینگی خواهد شد. در واقع شهروندان پول خود را به کار می‌گیرند و به نحوی آن را خرج می‌کنند. خرج یکبار 4 هزار و 800 میلیارد تومان یارانه نقدی مرحله اول که به گفته رئیس‌جمهور در مرحله بعدی قرار است 2 برابر شود، در سبد نقدینگی کشور رقم اندکی نخواهد بود.

طبق اعلام رئیس کل بانک مرکزی تا پایان خرداد ماه امسال رقم کل نقدینگی کشور 250 هزار میلیارد تومان بوده است که نقدینگی تزریق شده از محل یارانه نقدی مرحله اول به همراه بودجه اولیه وام‌دهی به تولید حدود پنج درصد این رقم را شامل می‌شود. این در حالی است که هنوز دولت و بانک مرکزی دقیقاً اعلام نکرده‌اند که با اجرای هدفمندی یارانه‌ها دقیقاً چه مقدار نقدینگی به اقتصاد کشور تزریق شده و ترکیب آن به چه صورت است. ستاد طرح تحول اقتصادی حتی رقم تنخواه دولت برای پرداخت یارانه نقدی را نیز اعلام نکرده و فقط سخنگوی این ستاد بارها به ماده 12 قانون هدفمندی یارانه‌ها اشاره کرده که براساس آن دولت اجازه یافته است،

تنخواهي را در بودجه منظور کند. وزارتخانه‌ها و دستگاه‌هاي درگير ديگر چون وزارت صنايع و معادن و بانک مرکزي نيز دقيقا به بودجه‌هاي در نظر گرفته شده حمايتي که منطقا نقدینگی تزریق شده محسوب مي‌شود اشاره نکرده‌اند. به عنوان مثال بانک مرکزي تاکنون حاضر نشده است محتوای بسته سياستي پولي هدفمندی يارانه‌ها را اعلام کند و صرفا به بيان کلياتي اکتفا کرده است. تمام اين نشانه‌ها بر اين قرار مي‌گيرد که بيش از آرامش بايد نگران فعاليت مجدد آتشفشان نقدینگی در هدفمندی يارانه‌ها بود و به پس‌لرزه‌ها و خاکسترهاي اندکی که اکنون از دهانه آن بيرون مي‌آيد به اندازه کافي توجه کرد.

دکتر ابراهيم رزايي، استاد اقتصاد دانشگاه تهران با اثر نقدینگی در تورم هدفمندی يارانه‌ها موافق نيست. وي مي‌گويد: هدفمندی يارانه‌ها نقدینگی جديد ايجاد نمي‌کند. چون پولي که در ميان مردم توزيع مي‌شود، پول جديد نيست و همان پولي است که از مردم جمع‌آوري شده و فقط بازتوزيع مي‌شود.

منشأ انتظارات تورمي از رفتار مصرف‌کنندگان ناشي مي‌شود که مي‌توان با مديريت صحيح اطلاع‌رسانی، جو رواني جامعه را در دست گرفت و از سوق يافتن ميل مصرف‌کنندگان به سوء خريد کالا جلوگیری کرد وي مي‌افزايد: دولت قيمت حامل‌هاي انرژی را افزايش داده و سالانه 20 هزار ميليارد تومان درآمد کسب مي‌کند. بخشي از اين رقم را نيز به يارانه نقدي و حمايت از توليد اختصاص مي‌دهد و پول جديد از جاي ديگر تهيه و وارد اقتصاد نمي‌شود. فقط شکل نقدینگی عوض مي‌شود، اما حجم آن ثابت مي‌ماند. اما دکتر داوود دانش جعفري، عضو مجمع تشخيص مصلحت نظام و وزير اسبق اقتصاد با اين نظر موافق نيست. وي به خبرنگار ما مي‌گويد: حکايت نقدینگی و اقتصاد ايران، حکايت کوه آتشفشان بر فراز شهر است. اين کوه وجود دارد و همگان به خطر آن واقفند.

وي مي‌گويد: نبايد کاري کرد که آتشفشان تحريك شده يا فوران کند. بايد دائم حرکات و نشانه‌هاي آن را زير نظر داشت و در اجرائي هدفمندی يارانه‌ها نيز اين ضرورت بيشتر است.

دانش جعفري معتقد است: واقعيت آن است که منابعي که دولت براي کاستن از اثرات هدفمندی يارانه‌ها کسب مي‌کند، دست‌کم در کوتاه‌مدت از درآمدزايي از طريق افزايش قيمت حامل‌هاي انرژی به دست نمي‌آيد. زمان لازم دارد تا دولت تنخواهي را که مثلا براي پرداخت يارانه نقدي از خزانه برداشت کرده به دست بياورد و همين خلا زماني يعني اين که نقدینگی جديد وارد اقتصاد شده و پول از خود اقتصاد برداشت نشده است.

به گفته وي: مساله ديگر در همين زمينه سرعت گردش نقدینگی است که از طريق خرج کردن پول ايجاد مي‌شود. شهروندان احتمالا ماييل به حفظ پس‌انداز خود نخواهند بود و مي‌خواهند آن را خرج کنند. سود گرفتن از اين رقم نيز اقتصادي به نظر نمي‌آيد. همين‌طور پس‌انداز کردن آن. پس ما علاوه بر نقدینگی بودن خود تنخواه يارانه نقدي با اثر طبيعي آن که رشد سرعت گردش نقدینگی است نيز مواجه خواهيم بود.

وي اظهار کرد: بحث ديگر انواع و اقسام تسهيلات است که دولت براي حمايت از توليد و صنعت به بخش‌هاي مختلف پرداخت مي‌کند. بودجه اين تسهيلات نيز بسرعت از محل درآمد رشد قيمت حامل‌هاي انرژی قابل برگشت نيست لذا نقدینگی جديد محسوب مي‌شود که بايد براي آن نيز فکري کرد.

دانش جعفري تصريح مي‌کند در بحث نقدینگی هدفمندی يارانه‌ها يك نکته ديگر هم وجود دارد و آن حرکت نقدینگی انباشته فعلي است. روشن است تعاملات اقتصادي جامعه با اجرائي هدفمندی يارانه‌ها دچار تغييرات زيادي مي‌شود و اين امر طبيعيا بر سير حرکت نقدینگی تأثير مي‌گذارد و اين تأثيرگذاري مي‌تواند به رشد تورم بينجامد. لذا دولت بايد با جذاب کردن بخش‌هايي که مي‌شود نقدینگی را در آن مهار کرد، اجازه خروج نقدینگی از مکان‌هاي فعلي را به آن ندهد. بويژه در بخش مسکن اين نگراني وجود خواهد داشت. بخش واردات نيز در معرض اين امر قرار دارد.

اوراق بهادار را جذاب کنيد

از سوي ديگر دکتر جمشيد پژويان استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائي و رئيس شوراي رقابت با رشد نقدینگی ناشي از اجرائي هدفمندی يارانه‌ها موافق است و براي آن راه‌حلي هم ارائه مي‌دهد. وي به خبرنگار ما مي‌گويد: اين يك واقعيت است که دولت براي کنترل اثرات قيمتي هدفمندی يارانه‌ها بايد نقدینگی وارد جامعه کند و جبران نقدینگی با نقدینگی جمع‌آوري شده از اقتصاد زمان مي‌برد. لذا دولت بايد براي مهار اين نقدینگی فکري بکند.

وي افزود: به نظر من بهترين فکر اين است که دولت هر نوع دارايي بجز دارايي‌هاي موثر در شاخص تورم مثل مسکن را جذب بکند، مثل اوراق بهادار و سود سپرده‌هاي مردم نزد بانک‌ها.

وي اظهار کرد: تاکيد من بيشتري روي جذاب کردن هرچه بيشتري سود سپرده‌هاست. چون اين امر 2 اثر دارد: اثر اول اين است که جلوي حرکت نقدبنگي را مي‌گيرد، يعني مردم نيازي نمي‌بينند که براي هراس از کاهش ارزش پول، پول خود را خارج و به دارايي‌هاي باارزش ديگر تبديل کنند و اثر دوم اين است که منابع لازم براي وام‌دهي به بخش توليد و صنعت به دست مي‌آيد، بي آن که نياز به برداشت دولت از خزانه يا حساب ذخيره‌ارزي باشد.

پژويان تصريح کرد: در واقع با اين کار با يك تير 2 نشان زده‌ايم و خلأ زماني ناشي از کسب درآمد دولت از محل رشد قيمت حامل‌هاي انرژي را نيز جبران کرده‌ايم.

وي افزود: افزايش سود اوراق مشارکت نيز راه خوبي است که حتي نقدبنگي جديد وارد شده به اقتصاد از طريق يارانه‌هاي نقدي را جذب کرده به شرط آن که اين اوراق به صورت ارقام خردتر و کوچک‌تر توزيع شود.

وي خاطر نشان کرد: با اين حال با راهکار پيشنهادي دولت براي هدايت نقدبنگي به سوي بورس موافق نيستم چون بورس ما شفاف نيست و ظرفيت جذاب اين همه نقدبنگي را ندارد. ضمناً سود آن در مقايسه با سود ساير بخش‌ها هم دبرتر وصول مي‌شود و هم سخت‌تر و پيچيده‌تر به دست مي‌آيد، با توجه به آن که خيل عظيم يارانه‌بگيران، غير حرفه‌اي هم هستند.

وي افزود: راهکارهاي ديگر مانند بلوکه کردن يارانه‌هاي نقدي يا تبديل آن به اعتبار غيرقابل نقد کردن که فقط مي‌شود با آن خريد کرد، نيز جز سلب اعتماد مردم و رشد انتظارات تورمي سود ديگري ندارد و بايد آن را به طور جدي کنار گذاشت. راه‌حل اصلي پيشنهادي من جذاب کردن سود همه‌گونه اوراق بهادار و ضمناً زياد انديشيدن درباره اثرات نقدبنگي در هدفمندي يارانه‌هاست. سيد علي دوستي موسوي / گروه اقتصاد